

## علی(ع) مصلحت را بر حقیقت مقدم نساخت

امام علی(ع) و مصلحت را بر حقیقت مقدم نساخت، او به دست آوردن قدرت را اصل نمی‌دانست، او راستگو و راست‌کردارترین است، او پرورش‌یافته محمدامین است که هیچ کس از وی نه دروغی شنید و نه خلف وعده‌ای دید.

تاریخ: ۰۷ اسفند ۱۳۹۹ - ۱۱:۰۵

کد خبر: ۳۹۵۶۲۰۹



خلیفه دوم، از خنجر فیروز زخم برداشت و در آستانه مرگ بود. شورایی شش نفره را برگزید و به آنان سه روز فرصت داد تا از میان خود خلیفه سوم را برگزینند، البته در میان آن شش نفر، عبدالرحمن بن عوف را برتری داد. پس از روزها گفت‌ووشنود، طلحه رای خویش به عثمان داد. سعد وقاص به عبدالرحمن بن عوف روی آورد، و زبیر امام علی(ع) را برگزید. عبدالرحمن رو به سوی علی(ع) آمد و به او گفت: به خلافت تو رأی می‌دهم و با تو بیعت می‌کنم به شرط آنکه قرآن را و سنت پیامبر را و روش دو خلیفه پیشین را پیروی کنی!

امام علی(ع) فرمود: قرآن و سنت پیامبر را پیروی می‌کنم، ولی چنین تعهد نمی‌دهم که به روش دو خلیفه پیشین پایبند باشم، آنان رأی و اجتهاد خویش داشتند، و من رأی خویش را. هرگاه که در قرآن و سنت مطلبی را نیافتم به اجتهاد خویش عمل می‌کنم. عبدالرحمن بن عوف سه بار سخن خود را تکرار کرد و به امام علی(ع) پیشنهاد خلافت داد و امیرمومنان نیز بر سخن خویش استوار ماند. عبدالرحمن از علی(ع) روی برگرداند و همان سخن را با عثمان بازگو کرد، عثمان پذیرفت و خلیفه شد.

به باور من، این برترین کرامت امام علی(ع) است، درخشان‌ترین برگ از دفتر زندگی اوست، والاترین سخن، برترین رفتار و صادقانه‌ترین کردار است. خلافت بر سرزمین پهناور اسلامی؛ شبه جزیره عربستان، یمن، عراق، ایران و شام و این محدوده جغرافیایی اکنون سیزده کشور را دربرگرفته است. او حکومت بر این گستره را واگذاشت، چون نمی‌خواست وعده‌ای دهد و تعهدی را بپذیرد که نمی‌خواهد به آن عمل کند.

او مصلحت را بر حقیقت مقدم نساخت، او به دست آوردن قدرت را اصل نمی‌دانست، او راستگو و راست‌کردارترین است، او پرورش‌یافته محمدامین است که هیچ کس از وی نه دروغی شنید و نه خلف وعده‌ای دید. او حکومت را واگذاشت، و علی(ع) باقی ماند؛ علیّ والا، برتر، و پیراسته؛ پیراسته از فرومایگی قدرت‌طلبان و دروغ‌پردازی سیاست‌بازان.

یادداشت از محمد سلطانی رنایی، عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

